



پاداش اخروی بی حد صبر در مصائب/ رمز تسلیم و رضا در بلاها چیست

آیت الله مظاهری در جلسه اخلاق خود پیرامون صبر گفت در فرهنگ قرآن و عترت، هر عمل نیک و هر کار خیری، پاداش مشخص و معین دارد، اما پاداش صبر و استقامت صابرين در قیامت بدون اندازه‌گیری و بی حد و حصر است و به غیر از خداوند، کسی از میزان آن اطلاع ندارد.

پای درس اخلاق آیت الله مظاهری؛

پاداش اخروی بی حد صبر در مصائب/ رمز تسلیم و رضا در بلاها چیست

خبرگزاری مهر- آیت الله مظاهری در جلسه اخلاق خود پیرامون صبر گفت در فرهنگ قرآن و عترت، هر عمل نیک و هر کار خیری، پاداش مشخص و معین دارد، اما پاداش صبر و استقامت صابرين در قیامت بدون اندازه‌گیری و بی حد و حصر است و به غیر از خداوند، کسی از میزان آن اطلاع ندارد. صبر در برابر مصائب، در قیامت، ثواب و پاداش فراوانی دارد. قرآن کریم، اجر چنین صبری را بدون اندازه و بی حساب می‌داند: «إِنَّمَا يُؤْفَى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ» [1]

در فرهنگ قرآن و عترت، هر عمل نیک و هر کار خیری، پاداش مشخص و معین دارد، اما بر اساس این آیه شریفه، در قیامت، پاداش صبر و استقامت صابرين، بدون اندازه‌گیری و بی حد و حصر است و به غیر از خداوند، کسی از میزان آن اطلاع ندارد.

در روایتی آمده است که رسول خدا «صلى الله عليه وآله وسلم» فرمودند: در روز قیامت، هنگامی که دفترها گشوده می‌شود و ترازوهای حساب و کتاب را می‌آورند، برای اهل بلا و گرفتاری، ترازویی نصب نمی‌گردد و دفتری برای آنان گشوده نمی‌شود، سپس آیه «إِنَّمَا يُؤْفَى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ» را قرائت فرمودند. [2]

بر اساس روایت دیگری، اگر انسان حاجتمند، برای رفع گرفتاری خود دعا کند و استجاب دعای او به مصلحت نباشد، خداوند در قیامت از او عذرخواهی می‌کند و می‌فرماید: اگر دعای تو مستجاب نشد، مصلحت نبود و علت آن را برای او روشن می‌کند و به گونه ای برای او جبران می‌نماید که آن بنده می‌گوید ای کاش هیچ يك از دعاهايم در دنیا مستجاب نشده بود. [3] یعنی آرزو می‌کند و می‌گوید: ای کاش بیش از این بلا و مصیبت می‌دیدم تا اکنون از پاداش بیشتری برخوردار شوم.

در واقع، در روزی که پرده‌ها کنار می‌رود، بندگان با آشکار شدن امور مخفی و پنهانی، توجه پیدا می‌کنند که مصیبت آنان در دنیا، چه مصلحت عجیبی داشته و آنان هوشیار نبوده‌اند: «لَقَدْ كُنْتُمْ فِي غَفْلَةٍ مِنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ» [4]

اگر صابر در مصیبت خدادادی، ثواب بهشت نداشت و اگر درود خداوند [5] شامل حال او نمی‌شد، ولی فقط عذرخواهی خداوند نصیب او می‌شد، کافی بود که انسان در برابر این‌گونه مصائب و بلاها، صبر و پیشه کند و شکیباً باشد؛ زیرا چنین پاداشی بی‌نظیر است و انصافاً در قیامت و در روزی که پرده‌ها کنار می‌رود، شیرین‌ترین پاداش است.

برخورداری از نفس مطمئنه در پرتو صبر در مصائب

وقتی انسان در برابر مصائب و مشکلات، صابر باشد و مقدرات الهی را بر وفق حکمت و مصلحت بداند، اطمینان قلبی پیدا می‌کند. به عبارت دیگر، کسی که وظیفه خود را به خوبی انجام دهد و در تلاش و کوشش و به کارگیری عقل و تدبیر، کوتاهی نورزد، هنگام مواجهه با مصیبت، عقل و دل او گواهی می‌دهد که آنچه خداوند حکیم تقدیر کرده است، صد در صد حکیمانه و به مصلحت است. چنین کسی از آن جهت که اولاً در انجام وظیفه کوتاهی نکرده و ثانیاً در ابتلا به مصیبت صبری پیشه کرده و جزع و فزع نکرده است، به آرامش درونی «إِنَّمَا يُؤْفَى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ» یا «إِنَّمَا يُؤْفَى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ» دست می‌یابد. به این معنا که زندگی او هرچند سرشار از مصیبت و گرفتاری است، اما غم و غصه نسبت به گذشته و دغدغه و نگرانی برای آینده، نخواهد داشت. در این صورت، بهشت نیز برای او کوچک است و لایق مقام عدل الهی است: «يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتِي».

خداوند می‌فرماید: ای کسی که نفس مطمئنه پیدا کرده‌ای! یعنی ای کسی که در ابتلائات شکیباً بوده‌ای! بیا بیا، نزد من بیا که بهشت برای تو کوچک است؛ جایگاه تو در مرتبه‌ای بالاتر از بهشت، نزد من و نزد بندگان من، یعنی معصومین «إِنَّمَا يُؤْفَى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ» است.

مقام تسلیم و رضا، حاصل شکیبایی در ابتلائات

اگر انسان در انجام واجبات و اجتناب از گناه و در ارتباط با خدا، کوشا باشد و در ابتلائات زندگی خود را نبازد، به مقامات والای معنوی و عرفانی دست می‌یابد. ولی متأسفانه نوع بشر، در مصائب و شدائد و یا در خوشی‌ها و هنگام وفور نعمت ظاهری، خود را می‌بازد: [\[171\]؛ إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا، إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا، وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا](#)؛[7]

این انسان معمولاً خودش را می‌بازد و سبک‌سری می‌کند. اگر نعمتی برای او جلو بیاید، به جای شکرگزاری، مغرور می‌شود و اگر مصیبتی پیش‌آید، خودش را گم می‌کند.

اما اگر کسی بتواند در حوادث ناگوار و مصائب زندگی صبور باشد و خود را گم نکند و به عبارت دیگر، اگر کسی بتواند در برابر تقدیر الهی، تسلیم باشد و چون و چرا و جزع و فزع نکند، و بالاتر از تسلیم، اگر کسی بتواند راضی به حکمت و مصلحت خداوند باشد، در اثر تمرین و ممارست در صبوری و تسلیم و رضا، به مقام عرفانی و بی‌نظیر [\[171\]؛ تسلیم و رضا](#)؛ دست خواهد یافت. وقتی چنین شد، هرچه از جانب دوست به او برسد، برای او نیکو جلوه می‌کند:

یکی درد و یکی درمان پسندد یکی وصل و یکی هجران پسندد

من از درمان و درد و وصل و هجران پسندم آنچه را جانان پسندد

امام حسین [\[171\]؛](#) و حضرت زینب مظلومه [\[171\]؛](#) در بالاترین مراتب تسلیم و رضا قرار داشتند و در واقع در برابر مقدرات الهی، تسلیم و راضی به رضای الهی بودند. همان‌طور که قبلاً نیز بیان شد، امام حسین [\[171\]؛](#) قبل از شهادت و در اوج مصیبت می‌فرمایند: [\[171\]؛ رَضِيَ اللَّهُ رَضَانًا أَهْلَ الْبَيْتِ](#)؛ حضرت زینب نیز در مجلس ابن زیاد، علی‌رغم تنهائی در برابر آن همه دشمن، به خداوند توکل کرده و با جرأت و شهامت همراه با اطمینان قلبی و رضایت از مقدرات الهی فرمودند: [\[171\]؛ مَا رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلًا](#)؛[9]

رفتار درس‌آموز آن بزرگواران، در واقع همان معنای مجسم آیه شریفه قرآن کریم است که می‌فرماید: [\[171\]؛ وَ مَنْ يُسَلِّمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَ هُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ وَالْيَ اللَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُور](#)؛[10]

آنکه در برابر قانون خدا روح تعبد دارد و در برابر قرآن و روایات اهل بیت [\[171\]؛](#) صددرصد تسلیم است، به ریسمانی که از طرف خداست، چنگ زده است و عاقبت نیکو و خیر کار او در دست خداوند متعال است.

این مقامات معنوی بسیار عجیب و آثار و برکات آن در دنیا و آخرت، شگفت‌آور است، اما باید توجه داشت که اگر کسی حتی نتواند تصور کند چنین مقاماتی وجود دارد، نباید منکر آن شود. استاد بزرگوار ما حضرت امام [\[171\]؛ ره](#)؛ می‌گفتند: اگر نمی‌فهمی که بزرگان چه می‌گویند، لاًقل منکر نشو و در مورد حرف آنان، ساکت باش.

یکی از معانی مقام تسلیم و رضا نیز همین است که اگر انسان نتواند به مراتب بالایی دست یابد، بداند که چنین مقام‌های بلندی در دنیا و آخرت برای انسان وجود دارد. به راستی نیز کسی که خود به چنین مقاماتی نرسد، نمی‌تواند حقیقت آن را درک کند.

تسلیم محض حضرت ابراهیم (ع) در برابر تقدیر الهی

صبر و شکیبایی در مصائب و تسلیم در برابر مقدرات الهی، انسان را به مقامی می‌رساند که حاضر است همه چیز را فدای خداوند متعال کند. حضرت ابراهیم [\[171\]؛](#) مصداق بارز دست‌یابی به این مقام است. قرآن کریم پس از بیان ابتلائات گوناگون برای حضرت ابراهیم و موفقیت ایشان در صبر و شکیبایی و تسلیم، می‌فرماید: [\[171\]؛ إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمْ قَالَ أَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ](#)؛[11]

حضرت ابراهیم [\[171\]؛](#) صد در صد تسلیم اوامر الهی بود. قرآن کریم با بیان داستان ذبح حضرت اسماعیل و سربلندی حضرت ابراهیم در امتحان الهی، آن پیامبر را نمونه یک انسان مسلم معرفی می‌کند.

حضرت ابراهیم اولادی نداشت و هنگام پیری خداوند متعال، حضرت اسماعیل را به ایشان عطا کرد. پس از چند سال که اسماعیل هنوز کودک خردسالی بود، خداوند متعال به حضرت ابراهیم وحی کرد که این بچه و مادرش را به سرزمین خشک و بی‌آب و علف مکه ببر و در آنجا بگذار و برگرد. ابراهیم [\[171\]؛](#) نیز که تجسم تسلیم عملی بود، به فرمان الهی عمل کرد. وقتی خواست زن و فرزند را تنها بگذارد، هاجر گفت: ما را به چه کسی می‌سپاری؟ حضرت ابراهیم پاسخ داد: به خداوند می‌سپارم. همین مقام تسلیم و رضا، باعث شد اوضاع به خوبی تغییر کند. به برکت تلاش این مادر و فرزند، چشمه زمزم پدیدار شد و مردم به سوی این سرزمین

آمدند. پس از گذشت چند سال، به حضرت ابراهیم دستور داده شد که به مکه برود و در آنجا با کمک اسماعیل که اینک جوان رشیدی شده بود، خانه کعبه را بسازد. البته خانه کعبه از زمان حضرت آدم؛ 171؛ به صورت اتاقکی موجود بود. حضرت ابراهیم آن اتاقک را خراب کرده و خانه کعبه را به شکل فعلی بنا کردند.

پس از ساخت کعبه، خطاب شد که حج بهجا آورید. حضرت ابراهیم و حضرت اسماعیل و هاجر حج بهجا آوردند. موقع قربانی، به حضرت ابراهیم خطاب شد که باید فرزندت را به عنوان قربانی در راه خدا، ذبح کنی!

وقتی به حضرت ابراهیم؛ 171؛ وحی شد که باید فرزندت را قربانی کنی، حضرت ابراهیم به اسماعیل گفت: 171؛ یا بُنِیَّ اِنِّیْ اُرِیْ فِی الْمَمَامِ اُنِّیْ اُذْبِحُكَ فَانْظُرْ مَاذَا تَرِیْ؛

حضرت اسماعیل؛ 171؛ نیز پاسخ داد: 171؛ یا اَبَتِ اَفْعَلَ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِیْ اِنْ شَاءَ اللّٰهُ مِنَ الصّٰبِرِیْنَ؛[12؛

در روایات آمده است به حضرت هاجر نیز خبر دادند و او گفت: 171؛ در مقابل امر خدا و در مقابل عمل پیامبر خدا تسلیم هستم.؛

وقتی حضرت ابراهیم؛ 171؛ به همراه اسماعیل به قربانگاه می‌رفتند، شیطان شروع به وسوسه کرد و رمی جمرات، حاصل و نماد مبارزه ابراهیم با وسوسه‌های شیطان است. شیطان وقتی دید از جانب ابراهیم راه به جایی نمی‌برد، به سوی هاجر رفت. هاجر نیز مانند شوهرش تسلیم محض اوامر الهی بود و به شیطان و وسوسه‌های او توجهی نکرد. وقتی ابراهیم به محل قربانی رسید، دست و پای اسماعیل را بست و کارد را تیز کرد. وقتی کارد را کشید، اثری نگذاشت و جبرئیل نازل شد و به او آفرین گفت: 171؛ قَدْ صَدَقْتَ الرَّؤْیَا؛[13؛ سپس گوسفندی را برای ذبح آورد.

پس از موفقیت در این امتحان و امتحانات سخت دیگر، که نشان از مقام رضا و تسلیم دارد، حضرت ابراهیم؛ 171؛ به مقام امامت می‌رسند: 171؛ و اِذْ اٰتٰنَا اِبْرٰهٖمَ رَبُّهُ یَکَلِمٰتٍ فَاَتَمَّهِنَّ قَالَ اِنِّیْ جَاعِلُکَ لِلنَّاسِ اِمَامًا قَالَ وَ مِنْ ذُرِّیَّتِیْ قَالَ لَا یَنَالُ عَهْدِی الظّٰلِمِیْنَ؛[14؛

باور به وجود حکمت الهی، رمز تسلیم و رضا

یکی از درس‌های مهم زندگانی حضرت ابراهیم؛ 171؛، آن است که باور قلبی نسبت به این حقیقت که: 171؛ هرچه در جهان رخ می‌دهد، دارای مصلحت تامه ملزمه و از روی حکمت است؛، انسان را به مقام تسلیم و رضا می‌رساند.

بر این اساس، اگر کسی در رخدادی حکمت مقدرات الهی را ندانست یا نفهمید، نباید به این بهانه از تسلیم در برابر آن سر باز زند.

اگر انسان بتواند در ابتلائات و مصائب، باور قلبی داشته باشد که آن بلا یا گرفتاری، بر وفق حکمت و به مصلحت اوست، دنیا و آخرت خود را آباد کرده است. چنان‌که اگر به چنین باوری نرسد و نتواند در برابر ابتلائات الهی تسلیم و راضی باشد، هم در دنیا و هم در آخرت بسیار ضرر می‌کند؛ زیرا در دنیا گرفتار بلا و مصیبت شده و زندگی خود را با سختی می‌گذراند و در آخرت نیز اجر و پاداشی نمی‌برد.

تسلیم و رضا، مانع سقوط

انسان باید برای رسیدن به مقام تسلیم و رضا، در همه‌حال؛ چه هنگام برخورداری از نعمت و چه هنگام نزول بلا و نعمت؛ شاکر باشد. اهل معرفت، ابتلائات را الطاف خفیه می‌دانند و الطاف خفیه را ارزشمندتر و کاربردی‌تر از الطاف جلیه می‌شمرند. چنین کسانی، از صبر و استقامت در الطاف خفیه، بهره‌برداری معنوی کرده، با نیل به مقام تسلیم و رضا، از سقوط و انحراف خود جلوگیری می‌کنند. اگر شیطان انسی و جنی پشت به پشت هم بخواهند برای این افراد لغزشی ایجاد کنند، نمی‌توانند. قرآن کریم می‌فرماید:

171؛ اِنَّهٗ لَیْسَ لَهُ سُلْطٰنٌ عَلَی الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا وَ عَلَی رَبِّهٖمْ یَتَوَكَّلُوْنَ ، اِنَّمَا سُلْطٰنُهٗ عَلَی الَّذِیْنَ یَتَوَلَّوْنَهٗ؛[15؛

شیاطین انسی و جنی کسانی را وسوسه و منحرف می‌کنند که زیر پرچم الهی نباشند و به مقام رضا و تسلیم نرسیده باشند؛ و الا کسی که به مقام رضا و تسلیم رسیده، زندگی او سراسر الهی است و شیاطین در آن نقشی ندارند.

وقتی انسانی به چنین مقامی برسد، نظیر امیرالمؤمنین؛ 171؛ س؛، در مناجات خود با خداوند، پاسخ الهی را می‌شنود و این

گفتگو، برای او از دنیا و آنچه در آن است، ارزشمندتر است.

مناجات شعبانیّه امیرالمؤمنین#171؛س؛، یکی از مناجات‌های بسیار ارزشمند است که همه ائمه طاهرین#171؛س؛ آن را می‌خوانده‌اند. در این مناجات، امیرالمؤمنین#171؛س؛ از خداوند مقامی را می‌طلبند که انقطاع الی الله در آن به کمال برسد و هیچ کس و هیچ چیزی در دل نباشد. آن حضرت در مناجات خود زمزمه می‌کنند: خداوند، به من حالتی عطا فرما که علاوه بر آنکه من با تو مناجات می‌کنم، تو هم با من حرف بزنی و مناجات کنی.

#171؛إلهی هب لی کمال الانقطاع إلیک و أیزر أبصار قلوبنا بضیاء نظرها إلیک حتی تحرق أبصار القلوب حجب الثور فتصل إلی معین العظمه و تصیر أرواحنا معلقه بعز قدسک إلهی و اجعلنی مِمَّنْ تادیته فأجابک و لاحظته فصعق بجلالک فتاجیته سراً و عمل لک جُهرًا[16؛raquo]

جنگ تحمیلی، نمادی از تسلیم و رضا

صبری مردم ایران در هشت سال جنگ تحمیلی و تسلیم و رضایت آنان مثال زدنی است. اگر صبر و استقامت جوانان این کشور و خانواده‌های آنان نبود، اکنون بیگانگان در ایران حکومت می‌کردند. انصافاً صبر و استقامت، در آن دوران سخت بود، اما جنگ نشان داد افرادی هستند که مقام تسلیم و رضا دارند. هر يك از شهداء، به دنیا و آن چه در دنیاست ارزش داشتند. اما شهید شدند تا این نظام باقی بماند. جانبازان عزیز که اکنون زنده هستند، ولی هر روز آنان يك شهادت است، با ایثار خود نگذاشتند این کشور به دست بیگانگان بیفتد. همچنین خانواده شهدا و جانبازان، که گاهی مادری حتی فرزند شهید خود را غسل می‌داد و در مدت جنگ و پس از آن، صبر و استقامت بی نظیری از خود نشان داده‌اند، همه اینها مصادیقی از تسلیم و رضا در جنگ تحمیلی به شمار می‌رود و قطعاً چنین افرادی در دنیا و آخرت از پاداش بی‌نظیر الهی بهره‌مند خواهند شد.

هشت سال دفاع مقدس مردم ایران، گوشه‌هایی از تسلیم و رضا را نشان داد و به قول حضرت امام#171؛قدس سره؛، یک تحوّل در مردم ایجاد کرد. اما متأسفانه دنیا، فساد اخلاقی و اهمیت ندادن به معنویات، این حالات را کم‌کم ضعیف کرد و اکنون جامعه ما از این حقایق بسیار دور افتاده است.

=====

پی‌نوشت‌ها:

1. زمر / 10
2. بحارالأنوار، ج 67، ص 101
3. کافی، ج 2، ص 491 - 490
4. ق / 22
5. بقره / 157: #171؛أولئک علیهم صلوات من ربهم و رحمه و أولئک هم المهتدون؛raquo
7. معارج / 19-21
8. بحارالأنوار، ج 44، ص 366
9. بحارالأنوار، ج 45، ص 115
10. لقمان / 22
11. بقره / 131
12. صافات / 102

13. صافات / 105

14. بقره / 124

15. نحل / 99-100

16. بحارالأنوار، ج 91، ص 98